

داستان بابالنگ دراز چگونه ادامه پیدا می‌کند؟

سرک کشیدن میان احساسات مدیر جوان یک نوانخانه قدیمی



برنا خانم
از کلاس نهم!

خاله‌ام به مناسبت تولد ۱۵ سالگی‌ام کتاب «دشمن عزیز» را برایم هدیه آورد. چند هفته قبلش گفت: «می‌دونی داستان جودی ابوت ادامه داره؟» و از آنجایی که من همیشه جودی ابوت و آنی شرلی را با هم اشتباه می‌گیرم، جواب دادم: «آره می‌دونم با گیلبرت ازدواج می‌کنه.» قیافه خاله‌ام جوری شد که انگار توهین بزرگی کردم و برایم توضیح داد که درست است توی کارتون، جودی ابوت و آنی شرلی موهای قرمز دارند و هر دو تیم‌اند ولی شخصیت‌های کاملاً متفاوتی هستند. آنی شرلی در قرن نوزدهم کانادا زندگی می‌کند و جودی ابوت در قرن بیستم آمریکا. آنی شرلی را در نوجوانی به فرزندخواندگی قبول می‌کنند اما جودی ۱۸ سالگی در پرورشگاه می‌ماند. بعد از این‌که تفاوت‌های بسیار این دو شخصیت را ذکر کرد، گفت: «حالا می‌دونستی داستان جودی ابوت ادامه داره؟» پرسیدم: «یعنی بعد از این‌که با بابالنگ دراز ازدواج کرد، بازم ادامه داره؟» و خاله‌ام از این‌که نمی‌دانستم ذوق کرد و برای تولدم کتاب «دشمن عزیز» را هدیه آورد و گفت: «این هم ادامه قصه جودی ابوت!»

اول از همه بگویم که مهم‌ترین ویژگی رمان «بابالنگ دراز» و «دشمن عزیز» این است که همه داستان‌ها از بین نامه‌ها تعریف کرده است. بعضی از هم‌کلاسی‌هایم از این مدل نامه‌ای بودن کتاب خوش‌شان نمی‌آید. حقیقتش را بخواهید من هم خیلی خوشم نمی‌آید، خصوصاً چون همه نامه‌ها یک‌طرفه است. به همین علت کارتون بابالنگ دراز را بیشتر از کتابش دوست دارم. احساس می‌کنم اولین باری است که از نمونه تصویری یک کتاب بیشتر خوشم می‌آید. انگار که ما در کارتون جودی را بیشتر می‌شناسیم و سرزندگی و نشاطش را بهتر درک می‌کنیم. بگذریم، امروز نمی‌خواهم درباره کتاب بابالنگ دراز حرف بزنم. می‌خواهم درباره دشمن عزیز بنویسم که تا جایی که می‌دانم هیچ اقتباس سینمایی و کارتون‌نی ندارد. اگر نظر من را بخواهید دشمن عزیز از بابالنگ دراز خیلی قشنگ‌تر است. اولین چیزی که متفاوتش می‌کند این است که نامه‌ها فقط یک گیرنده ندارد. به همین دلیل شما خیلی زیاد محدود نمی‌شوید. تازه از آن مهم‌تر که نامه‌ها یک‌طرفه نیست. البته نویسنده پاسخ نامه‌ها را در داستان نمی‌آورد ولی حداقل به آن اشاره می‌کند و خب نکته دیگر این است که نویسنده نامه‌ها اصلاً جودی

ابوت نیست!

امیدوارم اگر شما هم با این کتاب آشنا نبودید مثل من شگفت‌زده شوید. وقتی خاله گفت که کتاب ادامه جودی ابوت است، انتظار داشتم شخصیت اصلی داستان همچنان جودی باشد اما شخصیت اصلی سالی مک‌براید بود؛ هم‌اتاقی و دوست صمیمی جودی. داستان از این قرار است که جودی بعد از ازدواج با جرویس پندلتون (یعنی همان بابالنگ دراز) نوانخانه جان‌گیر را که در آن بزرگ شده، خریده است و از سالی خواسته که مدیریت نوانخانه را به عهده بگیرد. سالی هم حالا مدیر نوانخانه کودکی‌های جودی است اما مدیری متفاوت با همه مدیران پیش از آن.

اگر کتاب بابالنگ دراز را خوانده یا حتی کارتونش را دیده باشید، یادتان هست که مدیر سابق نوانخانه عجب آدم اعصاب‌خردکنی بود و جودی از زندگی در آنجا چقدر خاطرات بدی داشت. حالا قرار است سالی کاری کند که زندگی در نوانخانه برای بچه‌های یتیم ساده‌تر باشد. اولش مطمئن است که نمی‌تواند از پس این کار بربیاید ولی رفته رفته نظرش تغییر می‌کند. خاله‌ام می‌گوید وقتی همسن من بوده و کتاب را خوانده، دلش خواسته که او هم یک پرورشگاه داشته باشد. می‌گوید گاهی فکر می‌کند از بین این همه کتابی که خوانده، دشمن عزیز برایش خیلی خیلی تأثیرگذارتر بوده، آن قدر که آرزوی پرورشگاه داشتن هنوز هم همراهش است و صحنه نشستن سالی و بچه‌های نوانخانه کنار

شومینه‌ها خاطرش نمی‌رود و دلش می‌خواهد خودش هم یک روز تجربه‌اش کند. حقیقتش را بخواهید من هم خیلی کتاب را دوست داشتم، نمی‌دانم مثل خاله‌ام تا مدت‌های طولانی به یادش هستم یا نه اما همین قدر می‌دانم که صحنه‌های کتاب حالا حالاها در ذهنم باقی می‌ماند.

نکته آخر اسم کتاب است؛ این‌که چرا نویسنده چنین اسمی روی کتابش گذاشته رازی است که کم‌کم در خلال داستان آشکار می‌شود و قصه را شیرین‌تر می‌کند. امیدوارم یک نفر برای تولد ۱۵ سالگی شما هم چنین کتابی هدیه بیاورد!

نویسنده:

هیتر ایمری

مترجم:

حسین فتاحی

ناشر:

انتشارات قدیانی

۱۹۲ صفحه

۳۳۰۰۰ تومان



نویسنده:

جین وبستر

مترجم:

مهرداد مهدویان

ناشر:

نشر قدیانی

۳۴۴ صفحه

۴۰۰۰۰ تومان

وی‌نگاری

ماجرای یک مزرعه کاملاً واقعی

وقتی مکان وقوع ماجراهای داستان، یک مزرعه باشد، شاید به نظر برسد که برای بچه‌های امروزی که به زندگی شهری عادت کرده‌اند، جذابیت ندارد ولی این مساله به توانایی و خلاقیت نویسنده برمی‌گردد. یک نویسنده می‌تواند زندگی در مزرعه را آن‌چنان جذاب و بامزه و هیجان‌انگیز کند که هر کودکی آرزو داشته باشد که خودش هم در چنین جایی زندگی می‌کرد.

سم و پویی با خانواده‌شان در مزرعه درخت سیب زندگی می‌کنند و هر بار با اتفاقات متفاوت و بامزه‌ای روبه‌رو می‌شوند. یک‌بار مترسک می‌سازند ولی در کمال ناباوری می‌بینند که مترسک‌شان

تکان می‌خورد، یک بار دو تا مهمان ناخوانده با بالن به مزرعه‌شان می‌آیند، یک بار در مزرعه آتش‌سوزی می‌شود و وقتی آتش‌نشان‌ها با یک عالمه آب، آتش را خاموش می‌کنند، با دو تا آدم خیس روبه‌رو می‌شوند و می‌فهمند که چه اشتباهی کرده‌اند. در مزرعه درخت سیب، از این دست اتفاقات زیاد است. حضور حیوانات مزرعه در کنار انسان‌ها، زمینه خلق ماجراهای جدید را فراهم می‌کند. مجموعه ۱۲ جلدی قصه‌های مزرعه، ماجراهای این خواهر و برادر است به قلم هیتر ایمری و ترجمه حسین فتاحی برای کودکان شش سال به بالا. بعضی از جلد‌های این مجموعه زیبا، توسط مجله رشد به‌عنوان کتاب مناسب برای کودکان دبستانی معرفی شده است.

تمامی داستان‌ها در سبک واقع‌گرایانه و به دور از تخیلات فانتزی است و شاید همین مساله باعث می‌شود که باورپذیری داستان‌ها بیشتر شود چون امکان وقوع هر کدام در دنیای حقیقی وجود دارد و البته نویسنده‌ای که می‌خواهد به واقعیت‌ها وفادار بماند، با محدودیت‌های بیشتری برای داستان‌پردازی روبه‌روست ولی هیتر ایمری به‌خوبی از پس این محدودیت‌ها برمی‌آید.

این مجموعه را آقای استیون (استفان) مک‌رایت تصویرسازی کرده است. ویژگی اصلی کارهای مک‌رایت، کودکان و حیوانات معصوم و دوست‌داشتنی است. شاید بتوان گفت که نیمی از جذابیت این مجموعه، وامدار تصویرسازی‌های مک‌رایت است. این زوج نویسنده و تصویرگر برای انتشارات بریتانیایی آژورن کار می‌کردند به همین دلیل بسیاری از کتاب‌های هیتر ایمری توسط مک‌رایت تصویرگری شده است. یکی از موفق‌ترین کتاب‌های این دو، کتاب «اولین ۱۰۰ کلمه» است که به زبان‌های زیادی ترجمه شده است.

یکی از ویژگی‌های بامزه قصه‌های مزرعه که در کتاب‌های دیگر این انتشارات هم به چشم می‌خورد این است که در هر صفحه، یک جوجه اردک بامزه و زردرنگ مخفی شده است و کودک باید آن را پیدا کند. نمی‌دانم این خلاقیت متعلق به نویسنده است یا تصویرگر ولی در هر حال فکر جالبی است و باعث توجه بیشتر بچه‌ها به داستان می‌شود.

مجموعه قصه‌های مزرعه، شما را به یک دنیای شاداب، زنده و پراز آرامش و حال خوب می‌برد به‌طوری‌که می‌توانید داستان‌هایش را بارها بخوانید و لذت ببرید.



کلیه مدارک شامل کارت برگ سبز و سند کمیاتی و کارت و کلیه اسناد تاییدیه نقل و انتقال خودرو سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۹ به رنگ خاکستری متالیک شماره انتظامی ۱۲۴۸۹۰۸۳۲۵۴ شماره موتور ۱۲۴۸۹۰۸۳۲۵۴ به نام مریم یآوری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کلیه مدارک شامل کارت برگ سبز و سند کمیاتی و کارت و کلیه اسناد تاییدیه نقل و انتقال خودرو سواری نیسان پاترول ۴در ۱۳۷۱ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ۴۲۶ ن ۱۴ ایران ۵۳ شماره موتور ۰۰۱۱۵۸۷۲ شماره شاسی: ۰۰۱۱۵۸۷۲ PNV35P112728 به نام یحیی بهارلویی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کلیه مدارک برگ سبز و سند کمیاتی و کارت و کلیه اسناد تاییدیه نقل و انتقال خودرو سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۹ به رنگ خاکستری متالیک شماره انتظامی ۱۲۴۸۹۰۸۳۲۵۴ شماره موتور ۱۲۴۸۹۰۸۳۲۵۴ به نام مریم یآوری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کلیه مدارک شامل کارت برگ سبز و سند کمیاتی و کلیه اسناد تاییدیه نقل و انتقال متعلق به خودرو انوبوس بیابانی اسکاتیا عقاب ۴۲۱۲ به رنگ سفید با نوار قرمز روغنی مدل ۱۳۸۶ شماره انتظامی ایران ۷۱-۶۹۳ ع ۷۶ شماره موتور ۸۰۸۶۲۱۴ شماره شاسی ۳۶۰۵۰۷۴ به نام مریم یآوری مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز خودرو پراید مدل ۱۳۷۶ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۵۳ ۴۱۹ ج ۱۱ شماره موتور ۰۴۲۰۷۴ شماره شاسی ۵۱۴۱۲۲۷۵۳۶۱۵۹ به نام زهره نیکبخت نصر آبادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کلیه مدارک شامل کارت برگ سبز و سند کمیاتی و کلیه اسناد تاییدیه نقل و انتقال متعلق به خودرو انوبوس بیابانی اسکاتیا عقاب ۴۲۱۲ به رنگ سفید با نوار قرمز روغنی مدل ۱۳۸۶ شماره انتظامی ایران ۷۱-۶۹۳ ع ۷۶ شماره موتور ۸۰۸۶۲۱۴ شماره شاسی ۳۶۰۵۰۷۴ به نام مریم یآوری مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.